

شهادای جنگ ۱۲ روزه، رزمندگان دفاع مقدس، وضعیت سخت‌افزاری و ایران در ۱۴۰۴ چه تفاوتی با جنگ تحمیلی دارند؟

تا زنده‌ایم؛ رزمنده‌ایم



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

چهل و پنج سال پیش وقتی صدام با حمایت قدرت‌های جهانی به خاک ایران تجاوز کرد جوانانی چون حسین سلامی، امیرعلی حاجی زاده، محمد باقری،

حسین سلامی؛ ستاره غرب



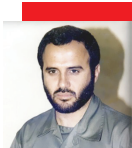
سردار شهید حسین سلامی متولد ۱۳۳۹ در گلپایگان، از همان آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ با وجود تحصیل در دانشگاه علم و صنعت و فراگیری در رده نخبگان کشور، به جبهه‌ها شتافت و به عضویت سپاه پاسداران درآمد. او ابتدا در کردستان و سپس در جبهه‌های جنوب غرب کشور حضور یافت و در سن ۲۰ سالگی با شجاعت در عملیات‌های مختلف شرکت کرد. سلامی در یگان‌های رزمی لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۱۴ امام حسین(ع) نقش آفرینی کرد و در قرارگاه دریایی نوح مسئولیت‌های کلیدی بر عهده گرفت. شجاعت و مهارت او در عملیات‌هایی مانند بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر برجسته بود، جایی که با هدایت نیروهای رزمی، دشمن بعضی را عقب راند. پس از جنگ، او به ارتقای علمی و نظامی خود پرداخت و در سال ۱۳۷۱ فرماندهی دوره عالی جنگ را بر عهده گرفت. سلامی با تأسیس دوره عالی فرماندهی جنگ (دافوس) در سپاه، به تربیت نسل جدیدی از فرماندهان کمک کرد. حضورش در معاونت عملیات ستاد مشترک سپاه (۱۳۸۴-۱۳۷۶) نیز به تقویت توان دفاعی کشور انجامید. تعهد، دانش و شجاعت او، وی را به یکی از ستون‌های دفاع مقدس و نماد ایثار تبدیل کرد. سردار سلامی در مقام فرمانده کل سپاه، عملیات‌های وعده صادق یک و دو را هدایت کرد و در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ در حمله صهیونیستی به شهادت رسید.

حاجی زاده؛ نقطه زن حتی در جنگ ۸ ساله



سردار شهید امیرعلی حاجی زاده متولد ۱۳۴۰ در تهران، از ۱۳۵۹ به سپاه پیوست و به‌عنوان تک‌تراندا از در عملیات‌های والفجر، کربلای ۴ و ۵ در جبهه‌های جنوب حضور یافت. او با شجاعت در برابر تهاجم بعضی‌ها ایستاد و نقش کلیدی در خشن سازی حملات دشمن ایفا کرد. در سال ۱۳۶۳، فرماندهی موشکی را در پایگاه شهید منتظری بنیان گذاشت و زیرساخت‌های توان موشکی ایران را توسعه داد. به‌عنوان فرمانده مهندسی رزمی نیروی هوایی سپاه، تجهیزات پدافندی را تقویت کرد و در دفاع هوایی علیه بمباران‌های عراق، سیستم‌های دفاعی را ارتقا داد. پس از جنگ در سمت فرمانده پدافند هوایی (۱۳۸۵-۱۳۸۸)، توان دفاعی کشور را بهبود بخشید. نوآوری‌های او در فناوری موشکی، ایران را به قدرتی منطقه‌ای تبدیل کرد و میراثی از اقتدار بر جای گذاشت. تعهد و تخصص او الهام‌بخش نسل‌های بعدی شد و دفاع مقدس را به نمادی از مقاومت تبدیل کرد. حاجی زاده فرمانده حمله موشکی به اسرائیل در جریان عملیات‌های وعده صادق۱ و وعده صادق ۲ بود. او در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، در جلسه فرماندهان هوافضا، هدف حمله هوایی قرار گرفت.

غلامعلی رشید؛ کابوس بعث



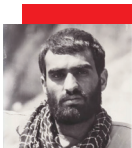
سردار شهید غلامعلی رشید متولد ۱۳۳۲ در دزفول، از ۱۳۵۹ با پیوستن به سپاه پاسداران در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضور یافت. او در عملیات‌هایی مانند ثامن‌الامنه، طریق القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، به‌عنوان فرمانده قرارگاه فتح و معاون عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیا، نقش محوری داشت. رشید در آزادسازی خرمشهر و بستان، با طراحی دقیق و هماهنگی با حسن باقری و محسن رهنمایی، دشمن بعضی را عقب راند. از ۱۳۶۰ به‌عنوان جانشین ستاد عملیات جنوب و سپس مسئول آن، عملیات‌های محدود را هدایت کرد و با تشکیل یگان‌هایی مانند تیپ ۲۵ کربلا و ۱۴ امام حسین، ساختار رزمی سپاه را تقویت نمود. او در عملیات‌های والفجر و کربلای ۵، با تحلیل استراتژیک، پیروزی‌های بزرگی رقم زد. پس از جنگ به‌عنوان معاون عملیات ستاد مشترک سپاه (۱۳۶۸-۱۳۶۵) و معاون اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح (۱۳۶۸-۱۳۷۸)، دکترین دفاعی کشور را بازسازی کرد. رشید با تحصیل در مقطع دکتری جغرافیای سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقش عوامل ژئوپلیتیک در تدوین راهبرد دفاعی» ارائه کرد. او در این پژوهش، عوامل ژئوپلیتیکی مانند آب‌های آزاد، مرزها و توپوگرافی را بررسی و مدلی برای تدوین استراتژی دفاعی ایران ارائه کرد. سردار رشید فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، در حمله موشکی اسرائیل به منزلش به شهادت رسید.

مهدی ربانی؛ مقوم توان رزمی



سردار شهید مهدی ربانی، از رزمندگان اولیه جنگ تحمیلی، فعالیت نظامی خود را در سپاه پاسداران آغاز کرد و در عملیات‌های کلیدی مانند بیت‌المقدس و والفجر ۸ حضور یافت. او در جبهه‌های جنوب، با شجاعت در خطوط مقدم، نقش مهمی در آزادسازی مناطق اشغالی ایفا کرد. ربانی به‌عنوان جانشین قرارگاه ثارالله (۱۳۸۴-۱۳۹۱)، معاون عملیات سپاه (۱۳۹۵-۱۳۹۰) و معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح (از ۱۳۹۵)، ساختارهای عملیاتی را بازسازی کرد. در دفاع مقدس با هدایت عملیات‌های پیچیده و هماهنگی یگان‌ها، به تقویت توان رزمی سپاه کمک کرد. پس از جنگ در دیپلماسی دفاعی فعال بود و در اجلاس‌های بین‌المللی مانند اجلاس امنیت روسیه (۱۴۰۰)، نقش راهبردی داشت. ربانی با تجربه میدانی و تعهد، به تدوین دکترین‌های عملیاتی پرداخت و یادگار حماسه آزادسازی خرمشهر شد. شجاعت و تخصص او، دفاع مقدس را به الگویی برای مقاومت تبدیل کرد و میراثی از انسجام نظامی بر جای گذاشت. سردار ربانی، معاون عملیات ستاد کل در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به تهران به شهادت رسید.

حسن محقق؛ راوی جنگ



سردار شهید محمدحسن محقق متولد ۱۳۴۲ در تهران، از نوجوانی فعالیت سیاسی علیه رژیم پهلوی را آغاز کرد و در سال ۱۳۵۷ توسط ساواک بازداشت شد. با شروع جنگ تحمیلی در ۱۳۵۹، به جبهه‌ها شتافت و در عملیات‌های والفجر و کربلای ۵، به‌عنوان فرمانده گردان حبیب‌بن مظاهر لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، نقش آفرینی کرد. او در کربلای ۵، با هدایت گردان در شب دوم عملیات، خط دشمن را شکست و از آب عبور کرد. در والفجر ۸، به شدت مجروح شد و یک پایش را از دست داد. امدادگران او را از صحنه پذیرش کردند، اما با احوای قلی در بیمارستان صحرایی امام حسین(ع)، به زندگی بازگشت. در ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹، فرمانده تیپ در خط پدافندی باسگاه زید شد. محقق با شجاعت و با شجاعت مناطق اشغالی کمک کرد و با نگارش کتاب «اسرار مکتوم»، تاریخ شفاهی جنگ را ثبت کرد. در ۲۵ خرداد ۱۴۰۴، سردار محقق، جانشین سازمان اطلاعات سپاه نیز همراه با محمد کاظمی و محسن باقری به شهادت رسید.

غلامعلی رشید، محمدمهدی طهرانچی و بسیاری دیگر با دست‌های خالی اما دل‌هایی لبریز از ایمان، سینه سپر کردند و حماسه جاویدان دفاع مقدس را رقم زدند. آنان در نوجوانی و جوانی در زیر باران گلوله و آتش دشمن بعضی ایستادند و هرگز از شهادت نترسیدند؛ آرزویی که از همان روزهای نخستین در دلشان بود.

این رزمندگان دیروز که از دل خاک‌ریزهای خرمشهر و هویزه قد کشیدند، در خرداد ۱۴۰۴ در حملات رژیم صهیونیستی به تهران، سرانجام به آرزوی دیرینه خود رسیدند و در لباس فرماندهان بزرگ ارتش اسلام، پرچم شهادت را بر دوش گرفتند. شهادت آنان برای ملت ایران تلخ بود، اما برای خودشان تحقق وعده الهی و پایان راهی بود که از اولین روزهای تجاوز یعنی آغاز کرده بودند.

محمدمهدی طهرانچی؛ رزمنده ۱۷ ساله



سردار شهید محمدمهدی طهرانچی، دانشمند هسته‌ای و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، در سال ۱۳۵۹ در ۱۷ سالگی به عنوان داوطلب بسیجی به جبهه‌های دفاع مقدس پیوست. شهید طهرانچی با اشاره به اینکه هنوز صحنه‌های عجیب و غریبی از آن شش‌سایه در خاطرش هست، گفت: «یک جوان بزدی یک پایش قطع شده بود و بچه‌ها را به فاطمه زهرا(س) قسم می‌داد که کم نیاورند. گذشت و من دیدم که گردان بعدی نیامد. با خودم گفتم بچه‌ها دارند می‌جنگند و به ذهنم رسید که گردان پشتیبان کم شده. برگشتم دیدم بله گردان کم شده. گردان را به خط رساندم.» طهرانچی در باره اتفاقات شب سوم عملیات و ماجرای جانبا ز شدنش گفت: «شب سوم دوباره من برای گردان خط‌شکن انتخاب شدم. یک خاک‌ریزی بود که در این خاک‌ریز یک تانک تیر مستقیم می‌زد. من پاورچین آمدم جدا بشوم که یکی از بچه‌ها را با خودم ببرم تا از یک زاویه به این را بزنیم، یک دفعه دیدم سرم گرم شد، یک تیر مستقیم خورد به سرم و کلاه هم نداشتم. یک دفعه چشمم را باز کردم، دیدم یک پسر اصفهانی می‌گوید اخوی، وخی، عقب‌نشینی شده، می‌توانی راه بنایی بیا وگرنه می‌آیند و تیر خلاصی می‌زنند... من هنوز بدنم لمس نشده بود... بعداً در بیمارستان فهمیدم یک طرف بدنم لمس شده. بلند شدم و دیدم می‌توانم راه بروم. بچه‌ها را دیدم و با کمکشان حرکت کردم. وسط راه، متقی آمبولانس آورد و سوار شدیم و آمدم اهواز.» محمدمهدی طهرانچی در ساعات آغازین حمله رژیم صهیونیستی به تهران به همراه همسرش در منزل به شهادت رسید.

محمد باقری؛ معمار اطلاعات و عملیات



سردار شهید محمد باقری متولد ۱۳۳۹ در تهران، از تابستان ۱۳۵۹ به سپاه پاسداران پیوست و در کنار بردارش، حسن باقری، در جبهه‌های کردستان و خوزستان حضور یافت. او در عملیات‌های مهمی مانند بیت‌المقدس، والفجر و کربلای ۵، به‌عنوان مسئول اطلاعات و عملیات در لشکرها و قرارگاه‌های خاتم‌الانبیا و کربلا، استراتژی‌های دفاعی را طراحی کرد. با تحلیل دقیق تحرکات دشمن، نقشه‌های ارزش بر بحث‌راختنی نمود به آزادسازی مناطق اشغالی از جمله خرمشهر، کمک‌شایانی کرد. جانبازی او در جبهه‌ها نشان‌دهنده حضور فعالش در خطوط مقدم بود. پس از جنگ با تحصیل در رشته جغرافیای سیاسی تا مقطع دکتری در دانشگاه تربیت مدرس، به‌عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی به تدریس پرداخت. او از بنیان‌گذاران انجمن ژئوپلیتیک ایران بود و با انتشار مقالات تخصصی، دانش دفاعی کشور را ارتقا داد. باقری با تلفیق تجربه میدانی و دانش نظری، ساختارهای اطلاعاتی و نظامی را بازسازی و دکترین امنیتی ایران را تقویت کرد. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ در حمله هوایی صهیونیستی به مقر فرماندهی به شهادت رسید.

غلامرضا محرابی؛ استراتژیست عملیات‌ها



سردار شهید غلامرضا محرابی متولد ۱۳۴۰ در رامهرمز، از سال ۱۳۵۹ به سپاه پاسداران پیوست و در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضوری فعال داشت. او به‌عنوان معاون اطلاعات عملیاتی در قرارگاه‌های کربلا، بدر و نجف، نقش کلیدی در تحلیل‌های اطلاعاتی و طراحی عملیات ایفا کرد. محرابی فرماندهی تیپ ۱۶ امام حسن عسکری(ع) و مسئولیت اطلاعات تیپ ۴۳ بیت‌المقدس را بر عهده گرفت و با بهره‌گیری از مدل‌های مدرن تحلیل جنگ، مانند ارزیابی چندبعدی اطلاعات رزمی و تحلیل لحظه‌ای دشمن، پیروزی‌های بزرگی رقم زد. در عملیات والفجر ۸، با تلفیق داده‌های جزر و مد، تحلیل آماری و منابع اطلاعاتی متنوع، موفق‌ترین عملیات آبی-خاکی جنگ را هدایت کرد. او دو نشان فتح از فرمانده معظم کل قوا در یافت کرد و با تأکید بر «سطح عملیات» میان تاکتیک و استراتژی، دانش نظامی ایران را تحول بخشید. پس از جنگ به‌عنوان رئیس اداره اطلاعات ستاد مشترک سپاه و فرمانده دانشکده دوره عالی سپاه، ساختارهای اطلاعاتی را تقویت کرد. محرابی با ترکیب ایمان، دانش و جهاد، امنیت ملی را بر پایه اندیشه استوار کرد. در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، سردار محرابی، معاون اطلاعات ستاد کل در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به تهران، همراه سردار ربانی به شهادت رسید.

محمد کاظمی؛ فرمانده عملیات‌های پنهان



سردار شهید محمد کاظمی متولد ۱۳۴۰ در روستای افین شهرستان زیرکوه خراسان جنوبی، از ابتدای انقلاب به‌سپاه پاسداران پیوست و در دهه ۶۰ فعالیت‌های خود را در رده‌های پایین اطلاعاتی-امنیتی آغاز کرد. در دوران ۸ ساله دفاع مقدس، در اداره اطلاعات سپاه نقش کلیدی ایفا کرد و به مقابله با نفوذهای امنیتی دشمن بعضی پرداخت. کاظمی با تمرکز بر عملیات‌های اطلاعاتی پنهان، به خنثی‌سازی توطئه‌های داخلی و خارجی کمک و ساختارهای حفاظتی سپاه را تقویت کرد. این فعالیت‌ها که در سکوت کامل انجام شد، به حفظ امنیت داخلی نیروها و جلوگیری از جاسوسی در خطوط مقدم یاری رساند. پس از جنگ، از اواخر دهه ۱۳۸۰ به ریاست سازمان حفاظت اطلاعات سپاه منصوب شد و بیش از ۲۰ سال در این سمت، بدون هیچ سخنرانی یا مصاحبه‌ای، به بازسازی دکترین امنیتی پرداخت. شجاعت و تعهد او در عرصه اطلاعاتی، دفاع مقدس را به نمادی از هوشیاری و مقاومت تبدیل کرد و میراثی از امنیت پایدار بر جای گذاشت. سردار کاظمی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه، در ۲۵ خرداد ۱۴۰۴، در حمله موشکی اسرائیل به شهادت رسید.

حاج یونس؛ سرباز ۱۳ ساله



سردار شهید ابوالفضل نیکویی، معروف به حاج یونس، متولد اقلید فارس در ۱۳ سالگی (۱۳۶۱) به‌عنوان رزمنده در جبهه‌های کردستان حضور یافت و عکسی معروف از او توسط محمد صیاد ثبت شد. او در دفاع مقدس به‌عنوان نیروی سپاه پاسداران در نبردهای کردستان فعالیت کرد و با شجاعت در برابر دشمنان ایستادگی کرد. پس از جنگ به نیروی قدس سپاه پیوست و به‌عنوان همرزم سردار قاسم سلیمانی، ۸ سال در سوریه جنگید. او سوریه را خوب می‌شناخت. از کودها و دشمن‌ها تا گر و هوا، قباایل، مذاهب و حتی نظامیان و سیاست‌پوین آن را نفر به نفر می‌شناسخت و تحولات جغرافیایی‌اش را لحظه‌به‌لحظه دنبال می‌کرد. حاج یونس با تعهد و ایثار، همیشه آرزوی شهادت داشت و می‌گفت: «دعا کنید شهید شوم.» حاج یونس در هفته اول جنگ در حمله رژیم صهیونیستی به تهران به شهادت رسید

چگونه می‌توانند فراتر از مدال، به نمادی از انسجام و همبستگی ملی تبدیل شوند. هماهنگی حرکات، اقتدار و نگاه معنادار و ورزشکاران، تصویری حماسی خلق کرد که هم‌زیبایی بصری داشت و هم پیام اخلاقی و فرهنگی روشنی به جهان منتقل می‌کرد. از منظر مدیریتی و اخلاقی، فدراسیون کشتی توانست با اتخاذ سیاست‌های شفاف و ایجاد محیطی منسجم، شرایطی فراهم کند که ورزشکاران از نظر فنی و انگیزه ملی، بهترین عملکرد را ارائه دهند. تصمیمات مدیریتی دقیق، بر برنامه‌ریزی‌های حرفه‌ای و حمایت همه‌جانبه از تیم، پایه‌های اصلی این موفقیت‌ها بودند. این هماهنگی میان مهارت فنی، مدیریت کارآمد و انگیزه معنوی، تیم ملی ایران را به یک قدرت بلامنزاع در صحنه جهانی تبدیل کرد.

در کنار این موضوعات ابعاد سیاسی و رسانه‌ای این پیروزی‌ها نیز قابل توجه است، ایران در حالی بر سکوی قهرمانی ایستاد که فشار تبلیغاتی غرب، به ویژه اسرائیل و

کشور ثبت شد، بلکه در عرصه جهانی نیز بازتابی حماسی و تحسین‌آمیز داشت. این موفقیت‌ها، نمونه‌ای آشکار از تلفیق مهارت فنی، مدیریت هوشمند و انگیزه معنوی است که به ورزشکاران امکان می‌دهد در بالاترین سطح عملکرد داشته باشند. کادر مربیگری، با استفاده از دانش فنی و تجربه طولانی، نه تنها تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها را آموزش داد، بلکه روحیه تعهد، اخلاق حرفه‌ای و وفاداری به ارزش‌های ملی و اخلاق پهلوانی را در تیم نهادینه کرد.

یکی از جلوه‌های شاخص این موفقیت‌ها، لحظاتی بود که کشتی‌گیران پس از کسب مدال و روی سسکوی قهرمانی، با احترام به پرچم و اجرای سلام نظامی، تعهد به

ارزش‌های ملی و هویت ایرانی و نیز موضع واحد در برابر حمله نظامی به کشورمان را به نمایش گذاشتند. این صحنه، گرچه کوتاه اما بسیار پرمعنابود، حس غرور ملی و وحدت اجتماعی را در دل میلیون‌ها ایرانی زنده کرد و نشان داد که پیروزی‌های ورزشی

در رقابت‌هایی که هر حرکت و هر تصمیم در آن آزمونی برای اراده، مهارت و تمرکز بود، تیم ملی کشتی ایران بار دیگر توانست پرچم کشور را بر بلندای سکوی قهرمانی به اهتزاز در آورد. این موفقیت‌ها، صرفاً نتیجه استعداد فردی کشتی‌گیران نبود، بلکه بازتابی از هماهنگی، مدیریت کارآمد فدراسیون، کادر مربیگری با تجربه و فرهنگ غنی اخلاقی و اعتقادی ورزش ایران بود. هر حرکت روی تشک، ترکیبی از تمرکز ذهنی، توان فیزیکی و اراده‌ای مثال‌زدنی بود که نشان داد این پیروزی‌ها حاصل کار تیمی، برنامه‌ریزی دقیق و روحیه ملی‌گرایانه است.

در طول مسابقات، کشتی‌گیران ایران با اجرای فنون دقیق و برنامه‌ریزی شده، توانستند حریفان قدرتمند را پشت سر بگذارند و لحظاتی خلق کنند که نه تنها در تاریخ ورزش

فرهنگ‌یگان

امروز در آستانه هفته دفاع مقدس، باید بیش از همیشه یاد مردمانی که زیست و زمانه‌شان در راه خدمت به وطن گذشت و در نهایت حتی از بخشیدن جانشان در این مسیر کوتاهی نکردند. از عملیات بیت‌المقدس تا وعده صادق، این مردان با شجاعت و ایمان دشمن را به زانو درآوردند و با خون خود اثبات کردند که تا زنده‌اند، رزمنده‌اند.

محمدمهدی طهرانچی؛ رزمنده ۱۷ ساله

سردار شهید محمدمهدی طهرانچی، دانشمند هسته‌ای و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، در سال ۱۳۵۹ در ۱۷ سالگی به عنوان داوطلب بسیجی به جبهه‌های دفاع مقدس پیوست. شهید طهرانچی با اشاره به اینکه هنوز صحنه‌های عجیب و غریبی از آن شش‌سایه در خاطرش هست، گفت: «یک جوان بزدی یک پایش قطع شده بود و بچه‌ها را به فاطمه زهرا(س) قسم می‌داد که کم نیاورند. گذشت و من دیدم که گردان بعدی نیامد. با خودم گفتم بچه‌ها دارند می‌جنگند و به ذهنم رسید که گردان پشتیبان کم شده. برگشتم دیدم بله گردان کم شده. گردان را به خط رساندم.» طهرانچی در باره اتفاقات شب سوم عملیات و ماجرای جانبا ز شدنش گفت: «شب سوم دوباره من برای گردان خط‌شکن انتخاب شدم. یک خاک‌ریزی بود که در این خاک‌ریز یک تانک تیر مستقیم می‌زد. من پاورچین آمدم جدا بشوم که یکی از بچه‌ها را با خودم ببرم تا از یک زاویه به این را بزنیم، یک دفعه دیدم سرم گرم شد، یک تیر مستقیم خورد به سرم و کلاه هم نداشتم. یک دفعه چشمم را باز کردم، دیدم یک پسر اصفهانی می‌گوید اخوی، وخی، عقب‌نشینی شده، می‌توانی راه بنایی بیا وگرنه می‌آیند و تیر خلاصی می‌زنند... من هنوز بدنم لمس نشده بود... بعداً در بیمارستان فهمیدم یک طرف بدنم لمس شده. بلند شدم و دیدم می‌توانم راه بروم. بچه‌ها را دیدم و با کمکشان حرکت کردم. وسط راه، متقی آمبولانس آورد و سوار شدیم و آمدم اهواز.» محمدمهدی طهرانچی در ساعات آغازین حمله رژیم صهیونیستی به تهران به همراه همسرش در منزل به شهادت رسید.

محمد باقری؛ معمار اطلاعات و عملیات

سردار شهید محمد باقری متولد ۱۳۳۹ در تهران، از تابستان ۱۳۵۹ به سپاه پاسداران پیوست و در کنار بردارش، حسن باقری، در جبهه‌های کردستان و خوزستان حضور یافت. او در عملیات‌های مهمی مانند بیت‌المقدس، والفجر و کربلای ۵، به‌عنوان مسئول اطلاعات و عملیات در لشکرها و قرارگاه‌های خاتم‌الانبیا و کربلا، استراتژی‌های دفاعی را طراحی کرد. با تحلیل دقیق تحرکات دشمن، نقشه‌های ارزش بر بحث‌راختنی نمود به آزادسازی مناطق اشغالی از جمله خرمشهر، کمک‌شایانی کرد. جانبازی او در جبهه‌ها نشان‌دهنده حضور فعالش در خطوط مقدم بود. پس از جنگ با تحصیل در رشته جغرافیای سیاسی تا مقطع دکتری در دانشگاه تربیت مدرس، به‌عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی به تدریس پرداخت. او از بنیان‌گذاران انجمن ژئوپلیتیک ایران بود و با انتشار مقالات تخصصی، دانش دفاعی کشور را ارتقا داد. باقری با تلفیق تجربه میدانی و دانش نظری، ساختارهای اطلاعاتی و نظامی را بازسازی و دکترین امنیتی ایران را تقویت کرد. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ در حمله هوایی صهیونیستی به مقر فرماندهی به شهادت رسید.

غلامرضا محرابی؛ استراتژیست عملیات‌ها

سردار شهید غلامرضا محرابی متولد ۱۳۴۰ در رامهرمز، از سال ۱۳۵۹ به سپاه پاسداران پیوست و در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضوری فعال داشت. او به‌عنوان معاون اطلاعات عملیاتی در قرارگاه‌های کربلا، بدر و نجف، نقش کلیدی در تحلیل‌های اطلاعاتی و طراحی عملیات ایفا کرد. محرابی فرماندهی تیپ ۱۶ امام حسن عسکری(ع) و مسئولیت اطلاعات تیپ ۴۳ بیت‌المقدس را بر عهده گرفت و با بهره‌گیری از مدل‌های مدرن تحلیل جنگ، مانند ارزیابی چندبعدی اطلاعات رزمی و تحلیل لحظه‌ای دشمن، پیروزی‌های بزرگی رقم زد. در عملیات والفجر ۸، با تلفیق داده‌های جزر و مد، تحلیل آماری و منابع اطلاعاتی متنوع، موفق‌ترین عملیات آبی-خاکی جنگ را هدایت کرد. او دو نشان فتح از فرمانده معظم کل قوا در یافت کرد و با تأکید بر «سطح عملیات» میان تاکتیک و استراتژی، دانش نظامی ایران را تحول بخشید. پس از جنگ به‌عنوان رئیس اداره اطلاعات ستاد مشترک سپاه و فرمانده دانشکده دوره عالی سپاه، ساختارهای اطلاعاتی را تقویت کرد. محرابی با ترکیب ایمان، دانش و جهاد، امنیت ملی را بر پایه اندیشه استوار کرد. در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، سردار محرابی، معاون اطلاعات ستاد کل در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به تهران، همراه سردار ربانی به شهادت رسید.

محمد کاظمی؛ فرمانده عملیات‌های پنهان

سردار شهید محمد کاظمی متولد ۱۳۴۰ در روستای افین شهرستان زیرکوه خراسان جنوبی، از ابتدای انقلاب به‌سپاه پاسداران پیوست و در دهه ۶۰ فعالیت‌های خود را در رده‌های پایین اطلاعاتی-امنیتی آغاز کرد. در دوران ۸ ساله دفاع مقدس، در اداره اطلاعات سپاه نقش کلیدی ایفا کرد و به مقابله با نفوذهای امنیتی دشمن بعضی پرداخت. کاظمی با تمرکز بر عملیات‌های اطلاعاتی پنهان، به خنثی‌سازی توطئه‌های داخلی و خارجی کمک و ساختارهای حفاظتی سپاه را تقویت کرد. این فعالیت‌ها که در سکوت کامل انجام شد، به حفظ امنیت داخلی نیروها و جلوگیری از جاسوسی در خطوط مقدم یاری رساند. پس از جنگ، از اواخر دهه ۱۳۸۰ به ریاست سازمان حفاظت اطلاعات سپاه منصوب شد و بیش از ۲۰ سال در این سمت، بدون هیچ سخنرانی یا مصاحبه‌ای، به بازسازی دکترین امنیتی پرداخت. شجاعت و تعهد او در عرصه اطلاعاتی، دفاع مقدس را به نمادی از هوشیاری و مقاومت تبدیل کرد و میراثی از امنیت پایدار بر جای گذاشت. سردار کاظمی، رئیس سازمان اطلاعات سپاه، در ۲۵ خرداد ۱۴۰۴، در حمله موشکی اسرائیل به شهادت رسید.

حاج یونس؛ سرباز ۱۳ ساله

سردار شهید ابوالفضل نیکویی، معروف به حاج یونس، متولد اقلید فارس در ۱۳ سالگی (۱۳۶۱) به‌عنوان رزمنده در جبهه‌های کردستان حضور یافت و عکسی معروف از او توسط محمد صیاد ثبت شد. او در دفاع مقدس به‌عنوان نیروی سپاه پاسداران در نبردهای کردستان فعالیت کرد و با شجاعت در برابر دشمنان ایستادگی کرد. پس از جنگ به نیروی قدس سپاه پیوست و به‌عنوان همرزم سردار قاسم سلیمانی، ۸ سال در سوریه جنگید. او سوریه را خوب می‌شناخت. از کودها و دشمن‌ها تا گر و هوا، قباایل، مذاهب و حتی نظامیان و سیاست‌پوین آن را نفر به نفر می‌شناسخت و تحولات جغرافیایی‌اش را لحظه‌به‌لحظه دنبال می‌کرد. حاج یونس با تعهد و ایثار، همیشه آرزوی شهادت داشت و می‌گفت: «دعا کنید شهید شوم.» حاج یونس در هفته اول جنگ در حمله رژیم صهیونیستی به تهران به شهادت رسید

آمریکا، بر تیم اعمال می‌شد. اما احترام به پرچم و لحظات کوتاه سلام نظامی، نمادی از اقتدار فرهنگی و انسجام ملی بود و پیام روشنی به جهان فرستاد: ایران کشوری متحد، مقتدر و با هویتی پایدار است. بازتاب جهانی این موفقیت‌ها در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، تصویری از ایران ارائه کرد که حتی کسانی که با کشور زاویه سیاسی داشتند، از بزرگی و وقار رفتار ورزشکاران تقدیر کردند.

در نهایت، قهرمانی تیم ملی کشتی ایران، صرفاً یک موفقیت ورزشی نیست؛ بلکه نمایانگر قدرت نرم، اخلاق حرفه‌ای و هویت ملی ایران است. هر مدال و هر فن، تنها نتیجه تلاش فردی نیست، بلکه نمایانگر فرهنگ، مهندلی و تعهد ملی است. لحظات

احترام به پرچم و سلام نظامی، حس غرور، وحدت و انسجام را در دل ملت زنده کرد و یادآور شد که ایران با اراده و ایمان جمعی، هم در تشک کشتی و هم در صحنه جهانی، می‌تواند بدرخشد و تصویری ماندگار از اقتدار و هویت ملی خود ارائه دهد.

۷